



## ایران تنها امید برای ایجاد تمدن نوین اسلامی است

خسروپناه با بیان اینکه ایران تنها امید برای ایجاد تمدن اسلامی است، گفت: سلفی‌گری مانع ایجاد تمدن نوین اسلامی است. اگر می‌خواهیم به تمدن نوین اسلامی برسیم نمی‌توانیم تمدن غرب را نادیده بگیریم.

خسروپناه با بیان اینکه ایران تنها امید برای ایجاد تمدن اسلامی است، گفت: سلفی‌گری مانع ایجاد تمدن نوین اسلامی است. اگر می‌خواهیم به تمدن نوین اسلامی برسیم نمی‌توانیم تمدن غرب را نادیده بگیریم.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در برنامه شب آسمانی شبکه قرآن و معارف سیما بیان داشت: یکی از علت‌های انحطاط مسلمانان این است که گذشته خود را فراموش کرده‌اند در صورتی که اگر به آثار تاریخ تمدن نگاه کنید می‌بینید که با وجود این که رنسانس اتفاق افتاد و غرب جهش پیدا کرد و با این که غربی‌ها گذشته خود را نقد می‌کردند اما با این حال تلاش داشتند که پیوندشان با سنت حفظ شود.

وی ادامه داد: شرط لازم برای رسیدن به تمدن نوین این است که میراث گذشتگان خود و دوران تمدن گذشته را به یاد بیاوریم و بعد از خود ببرسیم که ابن‌سیناها و ابوریحان‌ها چه شدند. البته فکر کردن به گذشته اگر باعث شود به سوی آینده حرکت کنیم مطلوب است.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تأکید کرد: هر تمدن جدیدی که شکل پیدا می‌کند بر تمدن گذشته سوار است. اگر می‌بینیم تمدن غرب مدرن از رنسانس شکل پیدا کرده است به دلیل ۴ قرن ترجمه‌ای است که از آثار مسلمانان انجام دادند و این موضوع را من از روی عرق مذهبی نمی‌گویم بلکه تمامی این‌ها از روی تاریخ است.

وی گفت: در آن دوران در غرب مشاهده پذیری مزموم و ایمان‌گرایی اصل بود، اما آشنایی آن‌ها با مسلمانان باعث شد تا متوجه شوند که عقل و استدلال و تجربه چه جایگاه مهمی در اسلام دارد. من بارها گفته‌ام که اگر می‌خواهیم به تمدن نوین اسلامی برسیم نمی‌توانیم تمدن غرب را نادیده بگیریم.

خسروپناه ادامه داد: غرب دارای دو چهره است، یک چهره آن توسعه شهوت و ولایت شیطان است و چهره دیگر آن حرکت بدون توقف آن به سمت شناخت جهان است. یعنی با سرعت به سمت کشف علم و عالم و آیات الهی حرکت می‌کند، مسلمانان باید با عقلانیت اسلامی چهره مثبت آن را پذیرفته و زیر بار چهره منفی آن نروند.

وی اظهار داشت: متأسفانه کشورها اسلامی به دلایل درونی و بعد بیرونی گرفتار انحطاط شدند و وقتی هم دچار این انحطاط شدند غرب استعمارگری وجود نداشت که بگویم آن‌ها باعث این انحطاط اند.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران اضافه کرد: دوره انحطاط مسلمانان از قرن ۶ شروع شد و در قرن ۹ و ۱۰ هرچند یک مقدار تکامل یافت اما دوباره رو به انحطاط رفت. در قرن ۷ شخصیتی مانند خواجه نصیر جز استثنائات بوده است. در قرن ۷، ۸ و ۹ عرفان و تصوف رشد پیدا می‌کند و شخصیت‌های عرفانی پیشرفت زیادی می‌کنند.

وی بیان داشت: من نمی‌خواهم خدمات عرفا را نادیده بگیرم آن‌ها کارهای بزرگی در عرصه ادبیات و معنویت انجام دادند اما در دوره عرفانی، عقلانیت طولی پیشرفت یافت و تمام دغدغه آن‌ها نیز این بود که رابطه عالم با حق تعالی شناخته شود، در صورتی که عقلانیت عرضی هیچ جایگاهی نداشت.

وی تصریح کرد: شخصیتی مثل ابن‌سینا هم به عقلانیت طولی اهمیت می‌داد و هم عقلانیت عرضی اما در دوران رشد عرفان تنها شاهد پیشرفت عقلانیت طولی هستیم. که به نظر من این موضوع نیز از غزالی شروع شده به طوری که در آثارش بیان داشته که گوهر دین تصوف است.

خسروپناه تأکید کرد: عرفانی که عقلانیت طولی را پذیرفت و به عقلانیت عرضی اهمیت نداد باعث انحطاط جامعه مسلمین شد، البته منظور من این نیست که ما باید عقلانیت طولی را کنار بگذاریم زیرا کنار گذاشتن عقلانیت طولی نیز باعث ایجاد بحران‌هایی مانند آن چه که در غرب اتفاق افتاده است خواهد شد.

وی در پاسخ سؤال مجری که چه چیزی باعث رشد عرفان و عقلانیت طولی و کنار گذاشتن عقلانیت عرضی در آن دوران شده گفت: با توسعه جغرافیای مسلمانان آن‌ها با عرفان‌های شرقی آشنا شدند و ابتدا به صورت جزیره‌ای برای خود خانقاهی می‌زدند اما بعد کم کم این موضوع تئوریزه شد و مسلماً وقتی کنشی تبدیل به بینش شود و این بینش اپیدمی پیدا کند و عمومی شود و به یک ارزش تبدیل شود، رفته رفته ارزش خود را خواهد گذاشت و در رابطه با عرفان نیز این گونه شد.

خسروپناه با اشاره به تأثیر حکومت‌ها در این رابطه گفت: وقتی حکومتی مانند سلجوقیان بر سر کار آمد تفکر اشعری با تصوف پیوند خورد و عقلانیت گریزی و ضدیت با فلسفه صورت گرفت.

وی با بیان این مطلب که تا عقلانیت طولی و عرضی در کنار هم قرار نگیرند تمدن نوین اسلامی شکل نمی‌گیرد گفت: تمدن نوین اسلامی نیاز دارد که ابن‌هیثم‌ها و ابن‌عربی‌ها با هم در کنار یک سفره بنشینند و تنها در کنار هم بنشینند بلکه همدیگر را نیز قبول داشته باشند.

خسروپناه تأکید کرد: امروز در جهان اهل سنت دو جریان غلط سلفی‌گری و صوفی‌گری داریم که با وجود این دو بسیار دور

است که مسلمانان بتوانند به تمدن اسلامی برسند. در جهان شیعه نیز جریان قشری گرایی و ظاهر گرایی وجود دارد که مانع تمدن است. البته بنده معتقدم شاید بتوان صوفی گری را همراه کرد اما هرگز نمیتوان سلفی گری را متقاعد به رفتن در راه درست نمود.

وی در پایان سخنانش تصریح کرد: اندیشمندان مسلمان معتقد هستند که اگر امیدی به تحول و تمدن سازی اسلامی وجود دارد این امید را تنها میتوان در ایران یافت زیرا حکومتی بر اساس عقلانیت اسلامی ایجاد کرده و تلاش می کند عقلانیت طولی و عرضی را در کنار هم قرار دهد.